

آسیب شناسی خانواده در اعتیاد

حسن رهبری

مسئول مراقب امور تامینی و تربیتی اردوگاه حرفه آموزی و کاردرمانی استان سمنان

چکیده :

بی شک نقش خانواده به عنوان واحد اصلی و عنصر تأثیرگذار بر روابط، رفتارها و خصوصیات ذاتی و اکتسابی اعضا، واضح و غیرقابل تردید است. تأثیرگذاری و تأثیرپذیری افراد این نهاد کوچک اجتماعی از یکدیگر، باعث شده خانواده همواره عنصر اصلی مطالعات و پژوهش های اجتماعی قرار گیرد و تأثیر آن بر موفقیت ها یا آسیب های فردی و اجتماعی در موضوعات مختلف سنجیده شود. خانواده سالم بستر مناسبی برای رشد و شکوفایی و بالندگی اعضای خود فراهم می کند و در حفظ و ارتقای سلامت جسمی و روانی آنها تأثیر فراوان و غیرقابل انکاری دارد. در مقابل، خانواده ناسالم زمینه را برای ایجاد اختلاف در ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی فراهم کرده و افراد را به سمت بزهکاری سوق می دهد.

کلمات کلیدی : اعتیاد - خانواده - آسیب شناسی

مقدمه :

از موضوعات قابل تحقیق در مطالعات خانوادگی، بحث نقش خانواده در بروز و پیشگیری از اعتیاد اعضای خود است و با توجه به این حقیقت که درمان اعتیاد امری دشوار و پرهزینه می باشد و احتمال بازگشت فرد معتاد به سمت مصرف مواد مخدر در اغلب موارد وجود دارد، پیشگیری از این بلای خانمان سوز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این مقاله پس از مروری اجمالی بر علل و عوامل گرایش به اعتیاد، به نقش خانواده در گرایش به اعتیاد اعضا، به خصوص فرزندان و همچنین نقش آن در پیشگیری از اعتیاد می پردازیم. به طور کلی، عواملی را که باعث بروز اعتیاد می شوند، می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱- محیط فرهنگی- اجتماعی؛ (۳)

۲- عوامل بین شخصی (۴) (خانواده، مدرسه و همسالان)؛

۳- متغیرهای روانی- رفتاری (۵) (شخصیت، برخوردها و فعالیت ها)؛

۴- تأثیرات بیولوژیک (۶) (بشارت، ۱۳۸۶: ۲۷).

البته باید توجه داشت که نمی توان یک عامل را به طور خاص و جداگانه عامل بروز اعتیاد دانست، بلکه اغلب مجموعه ای از عوامل، انگیزه های کشش فرد به سمت مواد مخدر هستند که به تفصیل می توان عوامل زیر را برشمرد:

۱- عوامل فردی (عقب ماندگی ها و محرومیت ها، بوالهوسی، کنجکاوی فرد در خصوص مواد مخدر، بیکاری، باورهای مثبت در مورد سوء مصرف مواد، بی سوادی و بی اطلاعی از تأثیر و عواقب مواد مخدر و ...)،

۲- عوامل سیاسی- اجتماعی (در دسترس بودن مواد مخدر، فقر، مهاجرت ها، تنهایی، زورگویی و نابرابری در اجتماع، سیاست های مستعمران در کشورهای عقب مانده و ...)،

۳- عوامل خانوادگی (اختلافات خانوادگی، طلاق، زندگی نوجوانان با نامادری و یا ناپدری، از بین رفتن احترام و ارزش های خانوادگی، سخت گیری ها و تنبیه بدنی، ملامت ها و سرزنش های زیاد و مداوم، منحرف بودن پدر و مادر از اصول اخلاقی، انحراف خواهرها یا برادرها، اعتیاد یکی از اعضای خانواده، بی

سوادی و نادانی والدین، فقدان احساس مسئولیت پدر و مادر، تربیت غلط کودک، کمبود محبت در دوران کودکی و ...)

۵- سایر عوامل (روابط و دوستی های خطرناک با افراد معتاد، بیماری های مزمن و لاعلاج، نقص عضو، بیماری های روانی و شخصیتی و یا تأثیر ژن در بروز اعتیاد) عوامل نام برد. (۷)

بسیاری از محققان در این زمینه بر این باورند که تیپ شخصیتی فرد نیز در معتاد شدن وی مؤثر است؛ به طوری که شخصیت های خودشیفته، پرخاشگر و ضد اجتماعی، مستعد اعتیاد به مواد مخدر هستند، چرا که مواد مخدر نیازهای روانی ایشان را کاملاً برطرف می کند. همچنین افراد با شخصیت افسرده، زودرنج و احساساتی نیز کاملاً مستعد اعتیاد به مواد مخدر هستند. (۸)

با این همه، نقش خانواده و عوامل خانوادگی را همواره می توان پررنگ ترین و مهم ترین عامل در گرایش یا عدم گرایش به مواد مخدر دانست. در خصوص آسیب شناسی خانوادگی اعتیاد می توان به اعتیاد پدر، اعتیاد مادر و اعتیاد فرزندان و تأثیر آن بر سایر اعضای خانواده به طور جداگانه پرداخت.

۱-اعتیاد پدر و نقش آن بر سایر اعضای خانواده

بی شک نقش بنیادین پدر در تحکیم پایه های خانواده غیرقابل تردید است. پدر به عنوان سرپرست و رئیس خانواده، برای فرزندان به عنوان الگو شناخته می شود. فرزندان با توجه به رفتارهای پدر، مسئولیت پذیری، اجتماعی بودن، چگونگی ارتباطات خانوادگی، مدیریت در مسائل مختلف اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی را می آموزند و پس از تشکیل خانواده به همان شیوه سعی در اداره ی امورشان خواهند داشت. بنابراین یک خانواده ی سالم باید دارای اعضای سالم و روابطی سالم میان این اعضا باشد و هرگونه مشکل و اختلالی در این زمینه می تواند بستری برای انحرافات روحی و جسمی فرزندان و سایر اعضای خانواده شود.

بی شک علل و عوامل بسیاری در سلامت و عدم سلامت یک خانواده مؤثر هستند و اعتیاد یکی از مخرب ترین عوامل فروپاشی خانواده ها است. اعتیاد پدر خانواده به عنوان تکیه گاه مادر و فرزندان، سلامت جسمی و روانی

ایشان را به شدت تهدید می کند. آمارها نشان می دهند، در خانواد هایی که پدر خانواده معتاد است، احتمال آلودگی فرزندان و حتی مادر خانواده به مواد مخدر بسیار بالاتر از خانواده هایی است که پدر معتاد نمی باشد. علاوه بر این اعتیاد پدر موجب بروز بیماری های روانی در مادر و فرزندان شده و سلامت روانی خانواده را به شدت تهدید می کند. در پژوهشی در خصوص بررسی ویژگی های روانی و اجتماعی همسران افراد معتاد، افسردگی، اضطراب، تمایل به خودکشی، بی خوابی، درگیری های شدید عاطفی، جستجوی حمایت اجتماعی، نارسایی عملکرد اجتماعی و ... از جمله آسیب هایی که مادر خانواده را تهدید می کند، شمرده شده است (قلی زاده، ۱۳۸۲: ۴۱-۳۳).

از آنجا که مصرف کنندگان مواد مخدر اغلب رفتارهای ناسازگارانه و نامتناسبی مانند دروغگویی، دزدی، بی توجهی، پرخاشگری، خشونت، عدم مسئولیت پذیری و ... از خود بروز می دهند، موجب اختلال در ارتباطات خانوادگی و اجتماعی شده و نوعی بی اعتمادی در اطرافیان خود ایجاد می کنند. بنابراین در چنین خانواده ای معمولاً فرد معتاد توسط سایر اعضا طرد می شود و به عنوان یک عضو بی کفایت همواره موجب سرافکنندگی سایرین است. البته این امر در خصوص پدر خانواده مانع از تأثیرپذیری همسر و کودکان از رفتارهای وی نمی شود؛ به طوری که همان طور که ذکر شد، یکی از عوامل مهم اعتیاد در میان اعضای خانواده، اعتیاد پدر است. علاوه بر عوامل مختلفی که در ابتدای مقاله در خصوص گرایش به اعتیاد ذکر شد، می توان به علل زیر به عنوان عوامل گرایش پدر خانواده به اعتیاد اشاره کرد:

-مواجه شدن با مشکلات خانوادگی در اوایل زندگی؛

-بیکاری و مشکلات اقتصادی؛

-ازدواج اجباری و عدم واقع بینی در زمینه ماهیت ازدواج؛

-مشکلات روانی؛

-داغ دیدگی ها و ... (بشارت، پیشین: ۳۰)

البته باید توجه داشت که مشکلات اقتصادی و خانوادگی مختص یک قشر یا خانواده نیست، اگرچه باتوجه به میزان درآمد و سطح فرهنگی و اجتماعی خانواده، مقابله با این قبیل مشکلات در افراد مختلف متفاوت است اما تربیت صحیح خانوادگی و تقویت اعتقادات مذهبی و اخلاقی در خانواده سبب می شود فرد در بحران هایی که پیش رو دارد، بیشتر به حل مشکل بیندیشد تا به راهی برای فرار از مشغولیت ذهنی خود.

آموزش های قبل از ازدواج در ارتباط با ازدواج و مسئولیت های آن، به طور وسیع و جدی می تواند ذهنیت روشنی به افرادی که تصمیم به تشکیل خانواده می گیرند، بدهد. همچنین آشنایی با مضرات مواد مخدر و آگاهی در خصوص آن، به پیشگیری از اعتیادهایی که از روی جهالت و سطح پایین سواد و یا فرهنگ خانواده است، کمک می کند.

تمرکز و دقت در تربیت پسران خانواده به عنوان پدر آینده نیز می تواند در سلامت خانوادگی نقش بسزایی ایفا کند، زیرا همان طور که آمارها نشان می دهد، درصد معتادان مرد نسبت به زنان بسیار بیشتر و تمایل جنس مذکر به مواد مخدر و اعتیاد بیش از جنس مؤنث است شاید بتوان یکی از عوامل این امر را علاوه بر تفاوت های جنسیتی که بین زنان و مردان وجود دارد، نوع نگاه خانواده ها به فرزند پسر به عنوان جنس برتر و عدم توجه کافی در تربیت وی دانست. به طوری که در بسیاری از خانواده ها مشاهده می شود: والدین دغدغه ی بسیاری برای تربیت صحیح دختر دارند اما پسر را آزادانه به حال خود می گذارند و کنترل صحیحی بر روابط و رفتارهای فردی و اجتماعی او ندارند. این اعتماد کاذب، علاوه بر تصویر ذهنی غلطی که به مردان آینده در خصوص برتری شان بر جنس مؤنث می دهد، باعث می شود به راحتی هر چیز را تجربه کنند و حدود اخلاقی و اجتماعی کمتری برای خویش قائل باشند. بنابراین می توان توجه و تمرکز والدین بر تربیت صحیح فرزندان به عنوان پدران و مادران آینده را یکی از مهم ترین عوامل پیشگیری از بروز اختلالات و مشکلات جسمی و روانی از جمله اعتیاد در آنان دانست.

۲-اعتیاد مادر و نقش آن بر سایر اعضای خانواده

علاوه بر علل و عواملی که در ابتدای بحث به عنوان زمینه های کشش افراد به سوی مواد مخدر ذکر شد، عوامل دیگری را برای اعتیاد زنان در خانواده می توان برشمرد. از آنجا که جنس زن از لحاظ روحی و عاطفی بسیار حساس تر از مرد است، در تقابل با مشکلات و معضلات خانوادگی از آسیب پذیری بیشتری برخوردار است. حال با توجه به این مطالب می توان بیشترین علل گرایش فردی زنان به اعتیاد را در موارد زیر خلاصه کرد.

۲-۱-اعتیاد همسر

شوهران معتاد یکی از مهم ترین عوامل اعتیاد زنان به حساب می آیند. بسیاری از مردان برای آنکه در موقع استعمال مواد مخدر مصاحبی داشته باشند و از سرزنش و انتقاد همسر خود بکاهند و در موقع تنگدستی و عدم تمکن مالی برای تهیه مواد مخدر از او سوء استفاده کنند، همسر خود را نیز معتاد می کنند. آنها حتی ممکن است از فرزندان خود سوء استفاده کنند و آنها را به کارهایی مثل توزیع مواد مخدر، گدایی، دستفروشی و حتی خودفروشی مجبور می سازند.

۲-۲- نارضایتی از زندگی زناشویی

زنانی که از زندگی زناشویی خود راضی نیستند و احساس می کنند راهی برای بازگشت ندارند، بیشتر در معرض خطر اعتیاد قرار می گیرند. به طور نمونه، دختری که پدرش برای رهایی از مخارج زندگی او را در سنین پایین مجبور به ازدواج با فردی می کند که از نظر سنی تفاوت زیادی با او دارد و شغل و تحصیلات مناسبی ندارد، در این صورت تنفر بیش از اندازه از شوهر، او را وادار می کند که به جای دل بستن به زندگی و انجام نقش های خویش و اظهار عشق و علاقه به شوهر، جذب گروه های منحرف و معتاد شود و به انگیزه های مختلفی از جمله تقلیل ناراحتی های روحی و روانی، رهایی از فشار زندگی و جبران نارضایتی از ارتباط جنسی با شوهر، به سوی کسب لذت های جایگزین نظیر مصرف مواد مخدر کشیده شود. همچنین زنانی که در زندگی قبلی و فعلی خود

مورد بدرفتاری و خشونت همسر قرار گرفته اند، ممکن است برای غلبه بر درد، اضطراب و ترس ناشی از آن به سمت مواد مخدر رو آورند.

۲-۳- از هم گسیختگی خانواده

طلاق و جدایی به عنوان آسیبی اجتماعی، آثار روانی نامطلوبی بر روی زوجین و فرزندانشان می گذارد. پژوهش ها نشان می دهد که تعداد قابل توجهی از زنان بعد از طلاق نسبت به آینده ناامید بوده و احساس اضطراب، دلنگی و اندوه می کنند. در اغلب خانواده های طلاق، فرزندان به ویژه دختران، از منزل و مدرسه فرار می کنند و ضمن جذب باندهای انحراف، به ارتکاب جرائم مختلف از جمله اعتیاد روی می آورند. طلاق و جدایی از همسر همچنین اثرات سوء و ناگواری بر زوجین، به ویژه زن بر جای می گذارد؛ به حدی که زن مطلقه برای رفع مشکلات روحی ناشی از طلاق به اعتیاد گرایش پیدا می کند (قاسمی روشن، ۱۳۸۲: ۳۲-۲۹)

اعتیاد مادر خانواده به مواد مخدر، علاوه بر آسیب های جسمی و روانی که برای خود مادر در پی دارد، موجب تزلزل نظام خانوادگی و عدم انجام وظایف مادری و همسری از سوی او می شود. اغلب فرد معتاد بی عاطفه، خودخواه و دارای شخصیت نامتعادل و ناموزون است. این خصوصیات برای یک زن که نقش مادر در خانواده را برعهده دارد سازگار نیست. زن معتاد به خاطر وابستگی که به مواد مخدر پیدا می کند، اولویت هایش تغییر یافته و به جای توجه به تربیت فرزندان و تحکیم نظام و چهارچوب خانواده، هر لحظه به تهیه مواد مخدر و مصرف آن می اندیشد و دیگر جایی برای تدبیر امور خانواده و سامان دهی به آن به عنوان مدیر داخلی خانه باقی نمی گذارد.

همچنین اعتیاد به مواد مخدر در زنان زمینه ارتکاب بسیاری از انحرافات را فراهم می سازد، زیرا فرد معتاد برای به دست آوردن مواد مورد نیاز حاضر است هر قیمتی را پرداخت کند. او نسبت به قوانین اجتماعی و دستورات دینی بی تفاوت است و مسلماً نمی تواند فرزندان قانونمند و با اخلاق تربیت نماید. پس به طور کلی می توان گفت: فساد مادر، تأثیر مستقیم بر فساد خانواده و تزلزل نظام این واحد اجتماعی دارد.

به طور کلی، ابتلا به بیماری های روانی، جسمی و جنسی را می توان از پیامدهای فردی اعتیاد زنان دانست و از پیامدهای خانوادگی این ابتلا می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۳-۱- طرد خانواده

زنان معتاد علاوه بر از دست دادن اعتبار و منزلت اجتماعی خود، از لحاظ عرف جامعه مورد قبول نیستند و طرد می شوند. این طرد همچنین از سوی خانواده فرد معتاد نیز صورت می گیرد. به جهت آنکه اعتیاد زنان اغلب نشانه ی فروغلطیدن آنان در انواع رفتارهای ضد اخلاقی است، روابط عاطفی و انواع حمایت های خانوادگی آنان قطع می شود و این مسئله آغاز مشکلات جدیدتر و خطرناک تری است.

۲-۳-۲- عدم ایفای نقش مادری

تردید نیست که اعتیاد مادر موجب عدم انجام وظایف مادری می شود. فرزندان یک مادر معتاد از ابراز احساسات و عواطف مادری محروم بوده و مسلماً به فکر رفع نیازهای عاطفی و روانی خود در بیرون خانواده می شوند. همچنین به جهت ارتباط مستمر مادر با فرزندان، میزان اثرگذاری او بر افکار، اخلاق و رفتار فرزندان بیش از پدر است. بنابراین تأثیرات منفی اعتیاد مادر بر فرزندان مضاعف است.

۲-۳-۳- فروپاشی خانواده

احساس مسئولیت زن معتاد نسبت به اعضای خانواده خود بسیار پایین است. ارتباط عاطفی او با اعضای خانواده بسیار سطحی و زودگذر است و در آلام آنها همدردی نمی کند. همیشه نیازهای خود را بر خواست دیگران مقدم می کند و وظایف و نقش خود را در خانواده انجام نمی دهد. چنین رویه ای در نهایت منجر به درخواست طلاق از سوی مرد می شود. تحقیقات نشان می دهد: تأثیر اعتیاد مادر در فروپاشی خانواده و قربانی شدن کودکان به مراتب از اعتیاد پدر بیشتر است، زیرا با اعتیاد مادر، به عنوان رکن اصلی خانواده، نظم و انضباط خانواده برهم می خورد.

۲-۳-۴- ایجاد نسل معتاد

از جمله امیال و آرزوهای هر خانواده، داشتن فرزند سالم و تندرست است. از این رو، والدین تمام توان خود را برای دسترسی به این مطلوب به کار می‌گیرند. اما مادر معتاد در دوران بارداری، فرزندش را معتاد می‌کند. یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است که به احتمال زیاد، نوزادان زنان معتاد از نظر فیزیکی غیرعادی بوده و دچار محرومیت می‌شوند.

۲-۳-۵- عدم نظارت صحیح بر رفتار فرزندان

یکی از آثار مخرب اعتیاد از میان رفتن نظم، انضباط و کنترل رفتار اعضای خانواده است. والدین معتاد به جای اینکه افکار، اخلاق و رفتار فرزندان را کنترل کنند، اعمال و روابط آنها توسط سایر اعضای خانواده کنترل و حتی از سوی فرزندان شماتت می‌شوند. در این شرایط، فرزندان از آزادی بیشتری برخوردار بوده و در مقابل رفتارهای مختلف خود پاسخگو نیستند. فرزندان این خانواده‌ها زمینه انحرافات بیشتری را دارند، اغلب بدون اطلاع و رضایت والدین به هر شهری که بخواهند مسافرت می‌کنند، هر گروهی را برای دوستی برمی‌گزینند و از هر راهی که بخواهند درآمد کسب کرده و هر طور که بخواهند خرج می‌کنند. بررسی‌ها نشان داده است: فرزندان این قبیل خانواده‌ها اغلب ترک تحصیل کرده یا دچار افت تحصیلی می‌شوند.

۲-۳-۶- ارائه الگوی نامناسب رفتاری

در خانواده‌هایی که مادر معتاد است، هنجارهای موجود در جامعه پرورش نمی‌یابند، زیرا فرزندان الگوی مناسب رفتاری ندارند. در چنین خانواده‌هایی احترام متقابل بین افراد، جای خود را به نزاع و درگیری می‌دهد. بنابراین فرزندان حاضر به پذیرش سخنان و نصایح مادر نیستند و رفتارهای خود را بر اساس خواسته خود تنظیم می‌کنند. روابط عاطفی و روانی مادر با فرزندان به دلیل اعتیاد آسیب می‌بیند و مصرف مواد مخدر برای وی اولویت می‌یابد، همین امر فرزندان را نیز به سوی اعتیاد، بزهکاری و رفتار ضد اجتماعی می‌کشاند.

۲-۳-۷- کاهش روابط فامیلی

اعتیاد والدین، به خصوص مادر خانواده، علاوه بر اینکه بر روابط داخلی خانواده اثر می گذارد، موجب ایجاد تفاوت در برخوردها و روابط فامیلی می شود. بی شک بستگان و آشنایان رفت و آمد با این خانواده را موجب سرافکنندگی خویش می دانند و حتی ارتباط با آنها را برای سلامت خانواده خود مضر می انگارند. بنابراین شکی نیست که کاهش ارتباط وابستگان و فامیل و عدم حمایت های آنان می تواند از لحاظ روحی و اجتماعی آسیب های جدی بر پیکره خانواده وارد کند (همان: ۳۸-۳۴)

۳- اعتیاد فرزندان در خانواده و نقش آن بر سایر اعضای خانواده

فرزندان ثمره ی زندگی مشترک پدر و مادر و گرمابخش کانون خانواده هستند. پس از تولد اولین فرزند در خانواده، بیشتر تمرکز پدر و مادر بر رفع نیازها و خواسته های او قرار می گیرد و تمام تلاش آنها بر این امر استوار است که در حد توان فرزندان سالم و خوب تربیت کنند.

شکل گیری شخصیت کودکان، ارتباط مستقیم با رفتارها و اعمال والدینشان دارد و این امر شاکله ی شخصیتی آنان تا بزرگسالی را بنا می نهد. رفتارهای غلط والدین در خانواده می تواند صدمات جبران ناپذیری بر شخصیت فردی و اجتماعی کودک وارد آورد. بنابراین وظیفه ی هر پدر و مادری است تا با مطالعه، همفکری و مشاوره، بهترین راهکارهای تربیتی را به دست آورند و با تمام توان در تربیت صحیح فرزندان کوشا باشند.

رفتارهای ناصحیح والدین گاهی موجب به وجود آمدن ناهنجاری های روحی و روانی در کودکان شده و آنها را به پناهگاهی دیگر غیر از خانواده سوق می دهد. این پناهگاه ممکن است دوستان و همسالان، معلم و یا افراد دیگری در فامیل باشند؛ اگرچه در برخی موارد این افراد در بهبود خلأهای شخصیت فرد تأثیر دارند، اما نباید از خطرات دوستی و همنشینی با افراد نالایق غافل بود.

کودکانی که از وضعیت مناسبی در خانواده برخوردار نیستند و محیط امن و محبت آمیزی را در خانه تجربه نمی کنند، بسیار سریع تر به انحرافات اخلاقی و اجتماعی دچار می شوند. آمار اعتیاد در میان نوجوانان و جوانانی که

از محیط خانوادگی مناسبی برخوردار نیستند، بسیار بالا است. از همین رو محققان، خانواده درمانی را یکی از روش های مؤثر در پیشگیری و ترک اعتیاد برمی شمارند. نتایج تحقیقی از شصت نفر از مصرف کنندگان مواد (تریاک، شیره و هروئین) که جهت درمان به مراکز مشاوره و بیمارستان مراجعه کرده بودند و مورد مصاحبه ی بالینی قرار گرفتند مؤید این مطلب است. پس از تجزیه و تحلیل داده ها، نتایج تحقیقات، وجود مشکلات زیر را در سیستم های خانواده های آنها نشان داد (رضائی، ۱۳۷۸: ۳- ۱).

ردیف	زمینه های خانوادگی مؤثر در سوء مصرف مواد مخدر	میزان تأثیر
۱	مشکلات اقتصادی	90%
۲	روابط سرد عاطفی	89%
۳	آشناختگی های عاطفی و خانوادگی	80%
۴	مصرف مواد مخدر توسط والدین	63%
۵	بی توجهی والدین	60%
۶	نداشتن سرپرست مناسب	40%
۷	رفتارهای اقتدارآمیز و خصمانه	40%
۸	طلاق والدین	30%

بنابراین، با توجه به تحقیقات متعددی که در مورد نقش خانواده در پیشگیری از مصرف مواد مخدر انجام شده و همچنین نتایج پژوهش بالا، به نظر می رسد: خانواده درمانی می تواند به عنوان یک شیوه ی مؤثر و مفید در پیشگیری از گرایش به مصرف مواد مورد استفاده قرار گیرد

بنابراین گرایش به مواد مخدر علل و زمینه های بسیاری دارد که در مورد نوجوانان و جوانان باید عمده دلایل آن را در خانواده هایشان جستجو کرد. بسیاری از خانواده ها با آموزش درست و کارآمد، توجه و محبت به فرزندان، ایجاد محیطی توأم با آرامش، تأمین امنیت، تربیت صحیح، رفتارهای منطقی و ... اعضای خود را از خطر ابتلا به اعتیاد ایمن می دارند. اما خانواده های متشنج و ناآرام، خانواده هایی که والدین متعصب و بدون انعطاف و یا بی خیال و معتاد دارند، اصطلاحاً خانواده های معتادپرور نامیده می شوند. همچنین خشونت در خانواده، کشمکش

های مداوم میان والدین، مشکلات خاص تحصیلی یا شغلی، طلاق و جدایی، فقر مادی خانواده، نبود آگاهی و آموزش لازم، بیکاری و ... نیز بر این امر دامن می زنند. در زیر به برخی از عوامل زمینه ساز اعتیاد جوانان در خانواده می پردازیم.

۳-۱- خانواده های متشنج و ناآرام

جو حاکم بر این گونه خانواده ها آکنده از تشویش و عدم اعتماد است و اعضای خانواده همواره با هم اختلاف داشته و درک متقابلی از هم ندارند. این خانواده ها از ایجاد روابط سالم و بدون تنش ناتوانند و در آنها به تربیت و رشد شخصیتی فرزندان کمتر بها داده می شود و افراد آن نسبت به یکدیگر انواع توهین ها را روا می دارند. این قبیل خانواده ها محیطی ناامن و غیرجذاب برای کودکان هستند و خطر سوق فرزندان آنها به سوی اعتیاد و انواع دیگر بزهکاری فراوان است.

۳-۲- خانواده هایی که والدین متعصب و ایرادگیر دارند

خانواده هایی که با والدین متعصب و ایرادگیر، که حق تصمیم گیری به فرزندان را نمی دهند و آزادی های فردی آنها را سلب می کنند نیز در افزایش اعتیاد فرزندان مؤثر هستند. همچنین خانواده ها با مقایسه های بی مورد، پس از هر شکست، تنبیه کردن، اهمیت ندادن به شخصیت و شعور فرد، جدی نگرفتن فرد و سلب مسئولیت از او، فرد را به ورطه ی ضعف و افسردگی می کشانند و راه را برای بروز انواع بزه خاصه اعتیاد بازتر می کنند.

۳-۳- خشونت در خانواده

خشونت علیه همسر و فرزندان در خانواده موجب ایجاد تنش و ناآرامی، احساس عدم امنیت در خانواده (که به طور طبیعی باید مکانی برای تأمین بیشترین امنیت برای فرد باشد)، استرس مداوم و ترس از والدین، پناه بردن هر یک از اعضای خانواده به تنهایی، از میان رفتن رابطه ی سالم میان اعضای خانواده، بی حوصلگی و عدم تمایل برای برقراری رابطه میان اعضا و در نتیجه، افسردگی ناشی از این عوامل می شود.

۳-۴- طلاق و جدایی والدین

از پژوهش های علمی و عینی جامعه سنجی خانواده های نابسامان چنین برمی آید که کانون های نابسامان خانوادگی که افراد بزهکار را تحویل جامعه می دهند، دو خصیصه اصلی دارند:

۱- از هم پاشیدگی کانون خانواده بر اثر طلاق یا مرگ یکی از والدین؛

۲- عدم مراقبت از فرزندان و عدم نظارت صحیح، به دلیل غیبت والدین.

این مسئله که طلاق یکی از عوامل محوری و اصلی بزهکاری کودکان و نوجوانان است، امری غیرقابل انکار است. بر این اساس، از عوامل بسیار مهم در اعتیاد فرد، جدایی والدین از یکدیگر است، زیرا پس از جدایی، کودک پناهگاه و تکیه گاه خود را از دست می دهد و تنها و افسرده می شود. همچنین نظارت و کنترلی که باید از سوی والدین او صورت بگیرد کاهش می یابد و فرایند آموزش و آگاهی دادن به شخص نیز مختل می شود (چترایی، ۱۳۸۷: ۴۸-۴۱)

۳-۵- فقر مادی / رفاه اقتصادی خانواده

فقر اقتصادی خانواده ها نیز از دلایل بسیار مهم اعتیاد است. هرچند نمی توان بین فقر مادی و اعتیاد رابطه ی مستقیمی در نظر گرفت، اما همین مسئله در گروه عمده ای از معتادان باعث گرایش به مصرف مواد مخدر سوق می شود. از آنجایی که فقر اقتصادی مشکلات متعددی به دنبال دارد و فشار بسیار زیادی بر فرد تحمیل می کند، باعث روی آوردن افراد به سمت مصرف مواد مخدر می شود. البته گفتنی است که در مواردی رفاه اقتصادی خانواده نیز خود عامل اعتیاد است.

در واقع باید دانست علاوه بر متغیرهای محروم ساز خانوادگی، متغیرهای برخوردار ساز خانوادگی نیز در گرایش جوانان به سوی اعتیاد و وابستگی به مواد مخدر مؤثر هستند. از جمله ی این متغیرهای برخوردار ساز می توان به موقعیت های اقتصادی و اجتماعی برتر خانوادگی اشاره کرد و موقعیت های اجتماعی خانواده، بازخوردها، تأییدات و انتظارات خانوادگی (و اجتماعی)، اعتماد به نفس کاذب در کودک تقویت می شود. گمانی که در

چنین خانواده‌هایی معمولاً مجال آزمایش نمی‌یابد و در آزمون‌های واقعی، زندگی فرد را با شکست و ناکامی مواجه می‌کند. پناه بردن به مواد مخدر برای چنین فردی دست‌آویزی است برای فرار از مشکلات واقعی زندگی و بازگشت به وضعیت آزاد پیشین (بشارت، ۱۳۸۶: ۳۶-۳۵)

۳-۶- کم سواد، نبود آگاهی و آموزش لازم

از میان عوامل خانوادگی اعتیاد جوانان، نباید از نقش آگاهی و سواد غافل شد. افرادی که از آگاهی و سواد کمتری برخوردار هستند آسیب‌پذیرترند. در واقع، اشخاصی که از پیامدهای منفی مواد مخدر آگاهی دارند، در مقایسه با اشخاصی که چنین اطلاعاتی ندارند، کمتر احتمال خطر اعتیاد برایشان متصور است. در نتیجه، خانواده‌ها باید نقش خود را به عنوان یک مرکز اطلاعاتی و آموزشی به درستی ایفا کنند.

در پژوهشی که به بررسی رابطه بین میزان آگاهی از مواد مخدر و اعتیاد با نوع نگرش نسبت به آن در دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان بوشهر صورت گرفت، نتایج نشان داد که بین سطح آگاهی و نوع نگرش دانش‌آموزان نسبت به اعتیاد و مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در جنس پسر، آگاهی نسبت به مواد مخدر کمتر و نگرش مثبت‌تری نسبت به جنس دختر وجود دارد. همبستگی بین میزان آگاهی و نوع نگرش منفی در جنس دختران بسیار بیشتر از پسران بود و در مجموع، میانگین سطح آگاهی دانش‌آموزان بالاتر از نوع نگرش منفی نسبت به اعتیاد و مواد مخدر است. بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده، بالا بردن سطح آگاهی خانواده‌ها یکی از مهم‌ترین اقدامات اساسی پیشگیری از اعتیاد در میان نوجوانان و حتی اعضای دیگر خانواده است. بالا بردن سطح آگاهی خانواده‌ها برای آگاه‌سازی فرزندان پیرامون معضلات فردی و اجتماعی اعتیاد باعث تغییر نگرش آنان شده و رفتارهای فرد بر اساس همین نگرش شکل می‌گیرد (زارع، ۱۳۸۱: ۳-۲)

۳-۷- تأثیر گروه‌های دوستی و همسالان

از دیگر عوامل مهم اعتیاد جوانان می‌توان به گروه‌های دوستی ناسالم، که اصطلاحاً به آن «رفقای ناباب» می‌گویند، اشاره کرد. گروهی از جوانان و نوجوانان به دلیل سازگاری با دوستان و همسالان و یک رنگ شدن با آنها،

در برابر هر تقاضایی سر تسلیم فرود می آورند. نقش خانواده ها در انتخاب دوستان بسیار مهم و اساسی است. اکثر افراد معتاد وجود گروه های دوستی ناپهنجار، که اغلب اعضای آن نیز اعتیاد دارند، را از عوامل مهم معتادشدن خودشان عنوان می کنند. این در حالی است که اعضای خانواده می توانند با نظارت و کنترل صحیح بر روابط دوستی و معاشرت های دیگر، اعضای خود آنها را از افتادن در دام اعتیاد برهانند

در ضمن به این نکته نیز باید توجه داشت که هرچه رابطه ی بین والدین و فرزندان نوجوانشان کاهش یابد، ارزش همسالان و روابط گروهی در نظر آنان بیشتر می شود. بنابراین پدر و مادر باید بکوشند جایگاه خود را در خانواده حفظ کنند تا همواره مأمّن و پناهگاه فرزندان خود بوده و رابطه ای صمیمانه با ایشان برقرار سازند.

۳-۸- محرومیت از والدین

برخی از فرزندان با جنبه های متعدد محرومیت از مواظبت پدر و مادر سروکار دارند. در خانواده هایی که یکی از پدر و مادر به دلایلی فوت کرده است، شخصیت فرزند بسیار آسیب پذیر می شود. خلأ وجود پدر به عنوان الگوی زندگی فردی و اجتماعی به خصوص برای فرزندان پسر به خوبی احساس می شود. بسیاری از پدران و مادران نیز ظاهراً در محیط خانواده حاضر هستند، اما از لحاظ عاطفی غایب محسوب می شوند. فرزندان این خانواده ها اغلب از خلأ عاطفی برخوردارند و سعی دارند خود با روش های گوناگون این خلأ عاطفی را پر کنند. چنین خانواده هایی بستر مناسب برای بروز انواع بزهکاری از جمله اعتیاد را فراهم می کنند.

۳-۹- خصوصیات و ویژگی های خود افراد

برخی از خصوصیات و ویژگی های فردی نوجوان نیز در اعتیاد او دخیل است. نوجوانان و جوانانی که مضطرب، پریشان، افسرده و منزوی هستند، مرتب دچار سرخوردگی و شکست های گوناگون می شوند، عزت نفس خود را از دست می دهند و به سیگار، الکل، مواد مخدر و ... به عنوان مفری برای رهایی از این مشکلات روی می آورند. اما باز هم در شکل گیری هر یک از ویژگی های شخصیتی فرد نباید از نقش تأثیر خانواده غافل شد (چترایی،

پیشین: ۴۵-۵۱)

با توجه به موارد بالا، اهمیت و نقش خانواده بر گرایش جوانان به سوی مواد مخدر و اعتیاد مشخص شد. حمایت های خانواده نه تنها در پیشگیری از اعتیاد در فرزندان و اعضای خانواده مؤثر است، بلکه می تواند عاملی برای بازگرداندن فرد معتاد به زندگی سالم و ترک اعتیاد او باشد. در واقع، با شناخت و آگاهی از میزان تأثیرگذاری خانواده ها در فرایند ترک اعتیاد، می توان به ترسیم و برنامه ریزی واقع بینانه جهت آموزش خانواده ها و ارائه حمایت های لازم از این نهاد اجتماعی جهت دستیابی به دوران ترک موفقیت آمیز و به تأخیر انداختن مدت زمان عود اعتیاد امیدوار شد.

نتایج پژوهشی در این خصوص نشان می دهد: بین میزان حمایت روانی، اقتصادی و اجتماعی خانواده ها از افراد معتاد و انگیزه ی آنان جهت ترک اعتیاد، رابطه ی معناداری وجود دارد. همچنین بین برخی ویژگی های دموگرافیک خانواده نظیر حجم خانواده، درآمد و تحصیلات با ارجاع معتادان به مراکز درمان سرپایی اعتیاد، رابطه معناداری وجود دارد. نوع مواد مصرفی، مدت زمان اعتیاد و دفعات ترک قبلی با میزان حمایت خانواده ها از ارجاع معتادان برای ترک مرتبط است (قجاوند، ۱۳۸۳: ۲)

برای مطالعه ی بیشتر، عوامل شخصی و محیطی زمینه ساز روی آوردن به مواد مخدر به صورت جدول آورده شده است.

عوامل زمینه ساز روی آوردن به مواد مخدر	
عوامل شخصی	عوامل محیطی
باورهای مثبت در مورد سوء مصرف مواد مخدر	متغیرهای ارتباطی کودک- والدین در اوایل زندگی
مشکلات عاطفی	عدم هماهنگی میان نوع تربیت والدین
خطر جویی و هیجان طلبی	سلطه گری والدین
عدم اعتماد به نفس یا اعتماد به نفس کاذب	مسامحه کاری (غفلت) والدین
تیپ شخصیتی	مواجه شدن با مشکلات خانوادگی در اوایل زندگی
مشکلات و اختلالات روانی مانند افسردگی و	سوء مصرف مواد توسط والدین
اضطراب	مشکلات روان شناختی والدین
ناتوانی های جسمی و ذهنی	بزهکاری والدین
	اختلاف یا خشونت بین والدین
	سازمان نیافتگی خانوادگی
	انحراف خواهر- برادرها
	داغ دیدگی ها
	جدایی ها
	بدرفتاری و تجاوز به (حقوق) کودک
	محرومیت های اجتماعی

منبع: (بشارت، ۱۳۸۶، ۳۰)

۴- نتیجه گیری

عوامل متعدد در بروز اعتیاد به خصوص در میان جوانان مؤثر هستند. در واقع، نمی توان تنها به یک عامل در مورد ابتلا به اعتیاد یک فرد اشاره کرد، بلکه مجموعه ای از عوامل فردی، اجتماعی، خانوادگی و ... دست به دست هم می دهند تا زمینه های گرایش افراد به سمت مواد مخدر فراهم آید. اما در میان تمام این علل و عوامل، نقش خانواده و تأثیر آسیب های خانوادگی در گرایش اعضایش به سمت اعتیاد پررنگ تر و قابل توجه تر است، زیرا خانواده اولین نهاد اجتماعی است که فرد در آن رشد می کند و شخصیت پیدا می کند.

مشکلات و معضلات خانوادگی از جمله اعتیاد والدین، مشکلات اقتصادی، مشکلات روانی سایر اعضا، نارضایتی پدر و مادر از زندگی عاطفی والدین، نداشتن سرپرست مناسب، طلاق و جدایی و عوامل بسیار دیگر می توانند زمینه ساز گرایش هر یک از اعضا به سمت مواد مخدر باشند. به نظر می رسد، با آگاهی دادن و آموزش سایر اقشار جامعه نه تنها در خصوص اعتیاد، بلکه در خصوص تأمین سلامت روانی خانواده ها می توان گام بزرگی را در تأمین سلامت و امنیت روانی جامعه برداشت.

به عقیده ی نگارنده، بایدها و نبایدهای زندگی خانوادگی را باید از سنین کودکی به کودکان آموزش داد و با ترغیب والدین برای گذراندن دوره های آموزشی در این خصوص، به سطح آگاهی خانواده ها افزود. تصحیح روابط میان اعضای خانواده، به خصوص پدر و مادر، می تواند محیط خانه را به محیطی امن و دوست داشتنی برای فرزندان تبدیل کند و بی تردید چنین خانواده ای کمتر در خطر اعتیاد اعضای خود قرار می گیرد.

بنابراین، سرمایه گذاری برای آموزش و بالا بردن آگاهی اقشار مختلف اجتماع در خصوص اعتیاد و خطرات آن، بسیار سودمندتر از سرمایه گذاری برای درمان معتادان و یا دستگیری فروشندگان مواد مخدر است.

تأمین سلامت روانی خانواده ها از طریق بالا بردن سطح سواد و آگاهی ایشان- که می تواند به وسیله ی رسانه های گروهی همچون رادیو و تلویزیون صورت پذیرد- نیز زیربنایی برای پیشگیری از اعتیاد در میان اعضای خانواده

است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. دکتری حرفه ای و متخصص درمان اعتیاد.
۲. کارشناس ارشد عرفان اسلامی پژوهشکده امام خمینی (رحمه الله) انقلاب اسلامی.

3-Cultural- Societal Environment

4-Interpersonal Factors

5-Psychobehavioral Factors

6-Biogenetic Influences

7-www.pezeshk.us/?p=14635

8-www.pezeshk.us/?p=14633

منابع تحقیق:

- ۱- بشارت، محمدعلی، آسیب شناسی خانوادگی اعتیاد، تازه های روان درمانی، سال دوازدهم، شماره ۴۳ و ۴۴، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
- ۲- چترایی، منیره، خانواده و اعتیاد، ماهنامه پرواز پیشگامان رهایی، شماره ۷، دی ۱۳۸۷.
رضانی، حمیدرضا، کاربرد خانواده درمانی به عنوان یک روش پیشگیری از سوء مصرف مواد، اولین کنگره سراسری راهکارهای بهداشتی مبارزه با اعتیاد، اسفند ۱۳۷۸.
زارع، محمدصادق، بررسی رابطه بین میزان آگاهی از مواد مخدر و اعتیاد با نوع نگرش نسبت به آن در دانش آموزان مقطع متوسطه استان بوشهر، اداره کل مطالعات و پژوهش های ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۱.
سایت پزشکان بدون مرز: www.pezeshk.us.
قجاوند، کاظم، نقش خانواده در ارجاع معتادان به مراکز درمان سرپایی شهر تهران و اصفهان، مجموعه مقالات دومین همایش نقدی بر راهکارهای علمی و کاربردی رهایی از اعتیاد، تهران، ۱۳۸۳.
قاسمی روشن، ابراهیم، از اعتیاد زنان تا نابسامانی خانواده، کتاب زنان، شماره ۲۲، ۱۳۸۲.
قلی زاده، آذر، بررسی ویژگی های روانی و اجتماعی همسران افراد معتاد و شیوه های مقابله آنها با اعتیاد همسران شان، مجله تحقیقات علوم رفتاری، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

منبع مقاله :

امیری، صالح؛ (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات همایش ملی راهبردهای تحکیم نهاد خانواده، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول